

بررسی مسائل و مشکلات حوزه کتاب

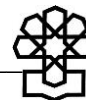
معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی
دفتر: مطالعات فرهنگی

کد موضوعی: ۲۷۰
شماره مسلسل: ۱۴۴۲۹
مردادماه ۱۳۹۴

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۳	فصل اول - رکود حوزه نشر و نشانه‌های آن
۴	۱. سرانه مطالعه
۴	۲. کتابخانه‌های عمومی
۷	۳. شمارگان کتاب
۸	۴. تعداد ناشران فعال
۸	۵. گرانی کتاب
۹	۶. کم بودن تعداد کتاب‌فروشی‌ها
۱۰	فصل دوم - ملاحظات روشی
۱۰	۱. مصاحبه با متخصصان
۱۱	۲. تحلیل داده‌ها
۱۱	فصل سوم - علت‌یابی بحران کتاب، در سطوح کلان، میانی و خرد
۱۲	۱. علت‌یابی بحران کتاب در سطح کلان
۱۲	۱-۱. ضعف فرهنگ کتابخوانی
۱۳	۱-۲. نهال نوپای فرهنگ مکتوب و تقابل آن با فرهنگ تصویری
۱۴	۲. علت‌یابی بحران کتاب در سطح میانی
۱۴	۱-۲. نارسایی در قوانین اهل قلم
۱۵	۲-۲. ضعف سازمان‌های میانی و مستقل از دولت
۱۶	۲-۳. کتابخانه‌های عمومی
۱۶	۳. علت‌یابی بحران کتاب در سطح خرد
۱۷	۳-۱. کنشگران کتاب
۱۷	۳-۱-۱. مؤلفان
۱۸	۳-۱-۲. ناشران
۱۹	۳-۱-۳. چاپ‌کنندگان
۲۰	۳-۱-۴. توزیع‌کنندگان
۲۰	۳-۱-۵. کتابفروشان
۲۱	۳-۱-۶. مخاطبان
۲۱	جمع‌بندی
۲۲	منابع و مأخذ



بررسی مسائل و مشکلات حوزه کتاب

چکیده

حوزه «کتاب و نشر» در کشور در وضعیتی قرار دارد که می‌توان از آن به «بحران» یاد کرد. شواهدی نظیر سرانه پایین مطالعه، تعداد نامتناسب کتابخانه‌های عمومی، شمارگان پایین کتاب‌های منتشره، تعداد بالای ناشران غیرفعال و... از جمله نشانه‌های این بحران‌اند. با بررسی و فراتحلیل دیدگاه‌های موجود و پژوهش‌های انجام شده، علل و عوامل این وضعیت بحرانی را می‌توان در سه سطح کلان، میانه و خرد تقسیم‌بندی کرد. در سطح کلان مسائل ساختاری نظیر ضعف فرهنگ کتابخوانی و نهادینه نشدن فرهنگ مکتوب، در سطح میانی مشکلاتی نظیر ضعف قوانین مربوط به تألیف و نشر و نبود سازمان‌های قدرتمند غیردولتی و واسط و در سطح خرد مشکلات پیش‌روی مؤلفان، ناشران، کتابفروشان و... از جمله عوامل مؤثر بر وضعیت مذکوراند.

بنابراین در یک نگاه جامع به‌نظر می‌رسد به منظور رفع چالش‌های حوزه نشر و کتاب لازم است دو دسته از سیاست‌های اقتصادی و سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی در کنار یکدیگر اتخاذ شوند. سیاست‌های اقتصادی ناظر بر خروج صنعت نشر از رکوداند و سیاست‌های اجتماعی - فرهنگی ناظر بر تقویت و توسعه فرهنگ کتابخوانی‌اند.

مقدمه

نشر کتاب مرکز ثقلی است که در آن نیازهای فرهنگی جامعه، ضرورت‌های اقتصادی، هدف‌های گروه‌های گوناگون اجتماعی، فکر، اندیشه، علم، هنر و... به هم پیوند می‌خورند. این نشر به‌عنوان بخشی از فرهنگ مکتوب، بازتابی از وضعیت فرهنگی جامعه بوده که می‌توان نشانه‌های اعتلا یا انحطاط فرهنگ را از طریق آن مشاهده کرد. تولید کتاب، یکی از شاخص‌های اصلی برای سنجش رشد و گسترش وضعیت فرهنگی در دنیای امروز محسوب می‌شود و توجه ویژه سیاستمداران و برنامه‌ریزان کشورهای گوناگون به این عرصه، نشان از اهمیت صنعت نشر در دنیای کنونی و ضرورت برنامه‌ریزی برای آن دارد. بدون بررسی جنبه‌های گوناگون صنعت نشر و اطلاعات دقیق از این عرصه، عملاً برنامه‌ریزی‌های کلان و بلندمدت فرهنگی امکان‌پذیر نخواهد بود.

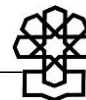
نشر کتاب در ایران، از مهم‌ترین ارکان صنعت فرهنگی کشور محسوب می‌شود. رشد جمعیت، افزایش باسوادی، گسترش نظام‌های آموزشی و... علاوه بر افزایش دادن متخصصان و اهل فرهنگ،

موجب متنوع شدن و افزایش نیازهای فرهنگی ایشان و در نتیجه گسترده شدن عرصه تولید کتاب شده است؛ در مقابل، مسائل و مشکلات گوناگون این عرصه، به موازات رشد کمی آن، افزایش یافته و بسیاری از این مسائل بدون راه‌حل و اتخاذ تدابیری مناسب، به حال خود رها گشته و خود منشأ مشکلات دیگری شده‌اند. به طوری که در شرایط فعلی مسائل و مشکلات حوزه کتاب، به قدری در هم آمیخته‌اند که علت‌ها و دلایل این وضع همچون کلافی درهم‌پیچیده، محو و ناپیداست. مشکلات این حوزه فرهنگی به قدری میان صاحبان این عرصه پررنگ شده است که از آن با عناوینی همچون «بحران کتاب»، «رکود کتاب» و... یاد می‌کنند.

خلاف‌های قانونی، نبود قراردادهای تعهدنامه‌های حقوقی میان فعالان اقتصادی این عرصه، وضعیت نابسامان و ویرایش، گرانی کاغذ، تمرکز بیش از اندازه ناشران و کتاب‌فروشان در تهران، عدم وجود شبکه توزیع سراسری در کشور و... فقط بخشی از مسائل حوزه کتاب است که با نگاهی گذرا به اظهارات کنشگران و فعالان گوناگون این عرصه قابل مشاهده‌اند. اما بحران فعلی تنها به تولیدکنندگان محدود نشده و در سویی دیگر، یعنی مصرف‌کنندگان کتاب، از طرفی از وضعیت کتاب و نبود کتاب خوب ناراضی‌اند و از طرفی دیگر، آمارها از سرانه بسیار پایین مطالعه در کشور حکایت دارند.

نگاهی واقع‌بینانه به انبوه مسائل و مشکلات موجود در عرصه صنعت نشر در ایران روشن می‌کند که پیدا کردن سرنخ این کلاف درهم‌پیچیده بسیار مشکل است. چرا که در این عرصه هم با تعداد زیادی از فعالان و کنشگران اجتماعی همچون مؤلفان، ناشران، کتاب‌فروشان و... روبرو هستیم. کتاب علاوه بر داشتن جنبه‌های فرهنگی همچون اطلاع‌رسانی و آگاهی‌رسانی و... دارای نقش‌های پررنگ اقتصادی است، به طوری که از آن به عنوان یک کالای اقتصادی و از شرایط تولید آن با عنوان صنعت نشر یاد می‌کنند. چنین شرایطی به خوبی نشانگر تغییر نگرش به کتاب است که علاوه بر اینکه دیگر به آن به عنوان کالایی صرفاً فرهنگی نگریسته نمی‌شود، بلکه حکایت‌گر وارد شدن این کالا به چرخه عرضه و تقاضاست. لازم به ذکر است که در نظر گرفتن کتاب به عنوان کالایی اقتصادی، مربوط به زمان حاضر نیست و خرید و فروش کتاب و وجود نهادهایی برای عرضه و تقاضای آن، از پیش وجود داشته است. آنچه وضعیت کتاب را در زمان حاضر متفاوت از گذشته کرده است، گسترش نگاه‌های اقتصادی به کتاب، در نظر گرفتن آن به عنوان کالایی صرفاً اقتصادی یا با اولویت‌های اقتصادی است. بنابراین تلقی‌های گوناگون از کتاب، در کنار نگرش‌های سیاسی و نقش نهادهای سیاستگذار در این حوزه، در سه دهه اخیر، بر پیچیدگی‌های صنعت نشر افزوده است. به طوری که بسیاری از مسائل و البته راهکارهای این حوزه به دولت و سایر نهادهای سیاستگذار و اجرایی مربوط شده است.

با توجه به اهمیت حوزه کتاب و نقش آن بر سایر عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی کشور و مسائل و مشکلات موجود در این حوزه، گزارش پیش رو قصد دارد، به شکلی اجمالی مسائل و مشکلات حوزه



نشر و عوامل اثرگذار بر آن را بررسی کند. به این منظور تلاش شده است با رویکردی فراتحلیلی از مجموعه تحلیل‌ها و نظرات صاحب‌نظران و فعالان این حوزه استفاده شود. ابتدا آن چیزی که از آن به رکود حوزه نشر در ایران تعبیر می‌شود، بررسی و نشانه‌ها یا ویژگی‌های این رکود توصیف شده است. در گام بعدی فصل دوم به روش‌شناسی این پژوهش و سیر اقدامات انجام شده در آن اختصاص پیدا کرده و روند تحلیل منابع و اطلاعات گردآوری شده بیان شده است. در فصل سوم مسائل و مشکلات حوزه کتاب ذکر شده و تلاش می‌شود با طبقه‌بندی‌ای از این مسائل در سه سطح کلان، میانه و خرد، ضمن ارائه مدلی تبیینی از مشکلات ذکر شده، تصویری واقع‌بینانه ارائه شود.

فصل اول - رکود حوزه نشر و نشانه‌های آن

در شرایط فعلی مسائل و مشکلات حوزه نشر کتاب، به قدری در هم آمیخته‌اند که علت‌ها و دلایل این وضع محو و ناپیداست. بسیاری از ناشران خصوصی و دولتی با مشکلات حاد اقتصادی روبرواند. شمارگان کتاب‌ها پایین و قیمت‌های آنان به زعم بسیاری از خریداران کتاب سرسام‌آور است. کتاب‌های بسیاری در انبارهای کتاب بر روی هم خاک می‌خورند و بسیاری از کتاب‌ها اگر هم به بازار بیایند، خیلی دیر به فروش خواهند رسید.

مشکلات این حوزه فرهنگی به قدری میان صاحبان این عرصه پررنگ و شناخته شده است که از آن با عناوینی همچون «بحران کتاب»، «رکود کتاب» و... یاد می‌کنند. به‌منظور بررسی و تبیین این شرایط، اولین اقدام کشف چیستی این پدیده است؛ اینکه این شرایط بحرانی دارای چه ویژگی‌هایی است و به نظر متخصصان، صاحب‌نظران و فعالان این عرصه، وجود چه عواملی در عرصه نشر، نشان از بحرانی بودن شرایط آن دارد. در این بخش تلاش شده تا به‌طور کلی ویژگی‌های شرایط بحرانی و رکود کتاب در ایران، با ذکر آمار موجود بیان شده و مشخص شود در هر یک از ویژگی‌ها چه شرایطی حاکم است.

مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در حوزه کتاب، وجود شاخص‌ها و عواملی چون سرانه مطالعه پایین، کم بودن تعداد کتابخانه‌های عمومی، تیراژ پایین کتاب، عدم تناسب میان تعداد ناشران فعال و غیرفعال و تعداد کم کتابفروشی‌ها در سراسر کشور را از دلایل وجود بحران و شرایط رکودی در حوزه نشر و تولید کتاب در ایران می‌دانند. لازم به ذکر است که شاخص‌های حاکی از بحرانی بودن شرایط کتاب در ایران، به این موارد محدود نشده و می‌تواند بیش از اینها باشد. اما موارد مذکور از جمله شاخص‌ها و عواملی هستند که میان بسیاری از مطالعات انجام شده در این حوزه بر آنها، از حیث نشان دادن شرایط بحرانی در حوزه کتاب، اجماع بیشتری وجود دارد. در ادامه به هر یک از این موارد اشاره خواهد شد.

۱. سرانه مطالعه

درباره سرانه مطالعه در ایران، همچون بسیاری از شاخص‌های آماری دیگر، بدون داشتن مرجع آماری مشخص، گزارش‌های متفاوت و گاه متناقضی وجود دارد. اگرچه در این گزارش‌های آماری، سرانه مطالعه ایرانیان از ۲ دقیقه تا ۷۶ دقیقه متغیر است، اما همین آمارها و مقایسه آنها با سرانه مطالعه سایر کشورها، نشان از پایین بودن سرانه مطالعه در کشور دارد.

از تحقیقات انجام شده در این حوزه می‌توان به پژوهش «کتابخانه‌های عمومی و سرانه مطالعه» اشاره کرد، در این تحقیق تلاش شده تا براساس آمار امانت، عضویت و دیگر شاخص‌های کتابخانه‌ای تخمینی از میزان سرانه مطالعه در ایران انجام شود، بر این اساس، آمار امانت کتاب از کتابخانه‌های عمومی کشور، نزدیک به ۱۴ دقیقه در روز بوده است که شامل انواع مطالعه (کتاب، روزنامه، ادعیه و...) می‌شود (محبوب، ۱۳۹۱: ۱۲۰).

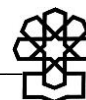
یافته‌های پژوهش دیگری که توسط شورای فرهنگ عمومی و با عنوان «وضعیت گذران وقت مردم شهری و روستایی کل کشور» در سال ۱۳۹۰ انجام شده است، به تخمین این پژوهش نزدیک است، براساس یافته‌های این تحقیق، میزان زمان اختصاص داده شده به مطالعه در میان مردم ایران، ۱۲ دقیقه است (این زمان شامل مطالعه کتاب، روزنامه، ادعیه و...) است (شورای فرهنگ عمومی، ۱۳۹۰).

آمار دیگری از نهاد کتابخانه‌های عمومی در کشور که در سال ۱۳۸۷ انجام شده است، حاکی از آن است که با توجه به بی‌سواد بودن ۱۵ درصد از افراد جامعه، میانگین تعداد مطالعه کتاب‌های غیردرسی ۲٫۷ جلد در سال بوده که این میزان بین افراد باسواد ۳/۲ جلد و در میان افراد باسواد اهل مطالعه ۶٫۲ جلد کتاب در سال بوده است. میانگین زمان مطالعه برای باسوادان روزانه ۱۸٫۴۲ دقیقه و برای افراد باسواد اهل مطالعه ۳۵٫۱۵ دقیقه است (نهاد کتابخانه‌های عمومی، آمار سال ۱۳۸۷).

۲. کتابخانه‌های عمومی

تعداد کتابخانه‌های عمومی، میزان اعضای آنها، میزان کتاب‌های امانت گرفته شده، مقدار زیربنای کتابخانه‌ها و... از جمله مواردی هستند که به‌وسیله آنها می‌توان فهمی از فرهنگ مطالعه در کشور و وضعیت نامطلوب آن به‌دست آورد. براساس آمار، تعداد کتابخانه‌های عمومی تحت پوشش «نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور»، اعم از شهری و روستایی، در سال ۱۳۹۱، ۲۸۸۴ باب بوده است. همچنین تعداد کل اعضای این کتابخانه‌ها، در همان سال، ۲۲۵۴۰۰۰ نفر بوده و کل مراجعان به آنها، ۷۳۱۱۳۰۰۰ نفر برآورد شده است (سالنامه آماری فرهنگ و هنر، ۱۳۹۱).

همچنین، در آمار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور مربوط به سال ۱۳۸۷، بیان شده است که به‌طور متوسط به ازای ۳۱۰۴۵ نفر جمعیت باسواد، یک کتابخانه عمومی وجود دارد و استان‌های یزد، سمنان و



کهگیلویه و بویراحمد کمترین تعداد نفر باسواد را به ازای هر کتابخانه دارند و استان تهران با ۱۰۰۸۵۲ نفر جمعیت به ازای هر کتابخانه، در پایین‌ترین رتبه قرار دارد. چنانچه در جدول ۱ مشاهده می‌شود، اگر به ستون تعداد باسوادان هر استان نگاهی بیندازیم، متوجه خواهیم شد در استان یزد به ازای هر ۱۱۱۰۰۰ نفر باسواد، یک کتابخانه عمومی و در تهران (که براساس این آمار، بعد از استان اصفهان بیشترین تعداد کتابخانه را در اختیار دارد) به ازای هر ۸۳۵۶۳ نفر جمعیت باسواد، یک کتابخانه عمومی موجود است.

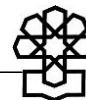
جدول ۱. نسبت جمعیت باسواد به ازای هر کتابخانه (مرتب شده از کمترین به بیشترین)

رتبه	نام استان	تعداد کتابخانه	کل جمعیت	جمعیت باسواد	جمعیت باسواد به ازای هر کتابخانه
۱	یزد	۶۸	۹۹۰,۸۱۸	۷۵۴,۸۲۷	۱۱,۱۰۰
۲	سمنان	۴۰	۵۸۹,۷۴۲	۴۵۸,۵۷۶	۱۱,۴۶۴
۳	کهگیلویه و بویراحمد	۳۷	۶۳۴,۲۹۹	۴۵۱,۳۲۴	۱۲,۱۹۸
۴	بوشهر	۴۵	۸۸۶,۲۶۷	۶۷۰,۱۴۸	۱۴,۸۹۲
۵	خراسان جنوبی	۲۷	۶۳۶,۴۲۰	۴۲۶,۳۳۶	۱۵,۷۹۰
۶	زنجان	۴۴	۹۶۴,۶۰۱	۶۹۵,۹۴۶	۱۵,۸۱۷
۷	ایلام	۲۴	۵۴۵,۷۸۷	۳۹۳,۸۲۰	۱۶,۴۰۹
۸	مرکزی	۵۸	۱,۳۴۹,۵۹۰	۱,۰۱۴,۱۶۷	۱۷,۴۸۶
۹	چهارمحال و بختیاری	۳۴	۸۵۷,۹۱۰	۶۲۴,۲۴۹	۱۸,۳۶۰
۱۰	اردبیل	۴۷	۱,۲۲۵,۳۴۸	۸۷۴,۰۴۴	۱۸,۵۹۷
۱۱	همدان	۵۸	۱,۷۰۳,۲۶۷	۱,۲۶۳,۷۳۶	۲۱,۷۸۹
۱۲	کرمان	۸۵	۲,۶۵۲,۴۱۳	۱,۹۰۰,۴۸۵	۲۲,۳۵۹
۱۳	اصفهان	۱۴۴	۴,۵۵۹,۲۵۶	۳,۶۰۳,۰۶۸	۲۵,۰۲۱
۱۴	گیلان	۷۲	۲,۴۰۴,۸۶۱	۱,۸۳۳,۶۱۱	۲۵,۴۶۷
۱۵	هرمزگان	۳۸	۱,۴۰۳,۶۷۴	۹۸۲,۲۳۵	۲۵,۸۴۸
۱۶	کردستان	۳۸	۱,۴۳۸,۵۴۳	۹۸۸,۸۳۹	۲۶,۰۲۲
۱۷	کرمانشاه	۵۲	۱,۸۷۹,۳۸۵	۱,۳۸۱,۴۷۵	۲۶,۵۶۷
۱۸	خراسان شمالی	۲۱	۸۱۱,۵۷۲	۵۵۹,۴۴۳	۲۶,۶۴۰
۱۹	آذربایجان شرقی	۹۶	۳,۶۰۳,۴۵۶	۲,۶۰۹,۵۴۸	۲۷,۱۸۳
۲۰	سیستان و بلوچستان	۴۸	۲,۴۰۵,۷۴۲	۱,۳۲۸,۵۶۷	۲۷,۶۷۸
۲۱	فارس	۱۰۹	۴,۳۲۶,۸۷۸	۳,۳۲۹,۸۵۸	۳۰,۵۴۹
۲۲	خوزستان	۹۸	۴,۲۷۴,۹۷۹	۳,۱۳۰,۲۵۷	۳۱,۹۴۱
۲۳	قزوین	۲۵	۱,۱۴۳,۲۰۰	۸۷۵,۹۰۱	۳۵,۰۳۶
۲۴	آذربایجان غربی	۵۱	۲,۸۷۳,۴۵۹	۱,۹۶۹,۷۴۶	۳۸,۶۲۲
۲۵	لرستان	۳۰	۱,۷۱۶,۵۲۷	۱,۲۴۱,۶۱۹	۴۱,۳۸۷
۲۶	گلستان	۲۸	۱,۶۱۷,۰۸۷	۱,۱۷۳,۶۶۲	۴۱,۹۱۷
۲۷	مازندران	۵۳	۲,۹۲۰,۶۵۷	۲,۲۶۲,۲۲۶	۴۲,۶۸۴
۲۸	خراسان رضوی	۸۷	۵,۵۹۳,۰۷۹	۴,۲۵۴,۹۳۲	۴۸,۹۰۷
۲۹	قم	۱۶	۱,۰۴۰,۶۸۱	۷۹۵,۹۸۵	۴۹,۷۴۹
۳۰	تهران	۱۳۳	۱۳,۴۱۳,۳۴۸	۱۱,۱۱۳,۹۲۲	۸۳,۵۶۳
	کل کشور	۱۷۰۶	۷۰,۴۷۲,۸۴۶	۵۲,۹۶۲,۵۵۲	۳۱,۰۴۵

جدول ۲، بیانگر تعداد عضو به ازای هر صد نفر جمعیت باسواد است. براساس این جدول، به ازای هر صد نفر جمعیت باسواد کشور، ۲ نفر عضو کتابخانه‌های عمومی کشور هستند و استان کهگیلویه و بویراحمد با متوسط ۷ نفر عضو به ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت، دارای بیشترین اعضا و در استان قم با حدود ۱ عضو، یعنی ۰/۹، کمترین اعضای کتابخانه‌های عمومی وجود دارند.

جدول ۲. نسبت تعداد عضو به ازای هر صد نفر جمعیت باسواد (مرتب شده از بیشترین به کمترین)

رتبه	نام استان	جمعیت باسواد بالای ۶ سال	تعداد اعضا	نسبت اعضا به ازای هر صد نفر با سواد
۱	کهگیلویه و بویراحمد	۴۵۱,۳۲۴	۳۱,۶۶۳	۷/۰
۲	سمنان	۴۵۸,۵۷۶	۲۳,۶۲۷	۵/۲
۳	ایلام	۳۹۳,۸۲۰	۱۹,۴۸۹	۴/۹
۴	یزد	۷۵۴,۸۲۷	۳۵,۳۲۲	۴/۷
۵	مازندران	۲,۴۶۲,۲۲۶	۸۰,۲۷۵	۳/۵
۶	چهارمحال و بختیاری	۶۲۴,۲۴۹	۲۱,۷۵۸	۳/۵
۷	مرکزی	۱,۰۱۴,۱۶۷	۳۴,۴۷۲	□
۸	قزوین	۸۷۵,۹۰۱	۲۹,۲۴۳	۳/۳
۹	کرمان	۱,۹۰۰,۴۸۵	۵۵,۵۴۲	۲/۹
۱۰	اردبیل	۸۷۴,۰۴۴	۲۵,۳۷۲	۲/۹
۱۱	خراسان جنوبی	۴۲۶,۳۳۶	۱۲,۳۱۸	۲/۹
۱۲	زنجان	۶۹۵,۹۴۶	۱۹,۲۷۶	۲/۸
۱۳	همدان	۱,۲۶۳,۷۳۶	۲۹,۹۰۴	۲/۴
۱۴	خراسان شمالی	۵۵۹,۴۴۳	۱۲,۹۶۰	۲/۳
۱۵	خوزستان	۳,۱۳۰,۲۵۷	۷۱,۹۹۴	۲/۳
۱۶	آذربایجان غربی	۱,۹۶۹,۷۴۶	۴۵,۲۷۳	۲/۳
۱۷	آذربایجان شرقی	۲,۶۰۹,۵۴۸	۵۲,۶۶۰	۲/۰
۱۸	گیلان	۱,۸۳۳,۶۱۱	۳۶,۶۴۱	۲/۰
۱۹	بوشهر	۶۷۰,۱۴۸	۱۳,۳۴۴	۲/۰
۲۰	کردستان	۹۸۸,۸۳۹	۱۷,۷۹۸	۱/۸
۲۱	گلستان	۱,۱۷۳,۶۶۲	۲۰,۵۰۰	۱/۷
۲۲	اصفهان	۳,۶۰۳,۰۶۸	۵۷,۷۷۸	۱/۶
۲۳	کرمانشاه	۱,۳۸۱,۴۷۵	۲۱,۷۴۲	۱/۶
۲۴	هرمزگان	۹۸۲,۲۳۵	۱۴,۶۶۴	۱/۵
۲۵	لرستان	۱,۲۴۱,۶۱۹	۱۸,۴۴۷	۱/۵
۲۶	فارس	۳,۳۲۹,۸۵۸	۴۸,۹۷۷	۱/۵
۲۷	خراسان رضوی	۴,۲۵۴,۹۳۲	۵۷,۸۷۵	□
۲۸	تهران	۱۱,۱۱۳,۹۲۲	۱۴۶,۷۳۲	۱/۳
۲۹	سیستان و بلوچستان	۱,۳۲۸,۵۶۷	۱۳,۳۳۱	۱/۰
۳۰	قم	۷۹۵,۹۸۵	۷۰۴۸	۰/۹
	کل کشور	۵,۲۹۶,۲۵۵۲	۱,۰۷۵,۹۲۵	۲/۰



۳. شمارگان کتاب

یکی از مشکلات اساسی صنعت نشر، پایین بودن شمارگان کتاب‌های منتشر شده است. شمارگان پایین کتاب‌ها، علاوه بر اینکه حکایت از عدم وجود تقاضای کافی برای خرید کتاب دارند، خود منجر به افزایش یافتن قیمت نهایی کتاب و در نتیجه کاهش تقاضا برای آن می‌گردند. تولید کتاب با شمارگان بالا به ناشر کمک می‌کند تا بسیاری از هزینه‌های تولید را که ارتباطی با هزینه‌های مستقیم ندارند سرشکن کرده و در نتیجه بهای تمام شده کتاب را کاهش دهد. براساس آمار سال ۱۳۹۱، تعداد عناوین منتشر شده در این سال، ۶۳،۹۲۲ عنوان کتاب بوده و میزان شمارگان ۱۶۶،۰۶۲،۷۶۲ گزارش شده است، یعنی میانگین شمارگان به ازای هر عنوان چیزی حدود ۲،۵۹۸ بوده است. براساس همین آمار، میزان شمارگان کتاب‌های سال ۱۳۹۰، ۲۰۳،۸۸۰،۰۰۰ بوده و تعداد عناوین منتشر شده ۶۸۸۲۳ گزارش شده است (یعنی حدود ۲،۹۶۲ نسخه به ازای هر عنوان) که نشان‌دهنده کاهش شمارگان کتاب در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰ است (سالنامه آماری فرهنگ و هنر، ۱۳۹۱).

جدول ۳ بیانگر تعداد عناوین و تیراژ کتاب در سال ۱۹۹۴ است، چنانچه ملاحظه می‌شود کشور ما از نظر تعداد عناوین منتشره در میان کشورهای در حال رشد دارای جایگاه مناسبی است. اما در حالی که از نظر تعداد عناوین منتشر شده در جایگاه مناسبی قرار داریم، تیراژ کتاب‌ها بسیار پایین است. برای مثال در کشور مصر، در همان سال، بیش از ۱۰۸ میلیون کتاب منتشر شده است که این رقم برای کشور ما ۲۶ میلیون است، یعنی در مصر هر عنوان کتاب تیراژی معادل ۳۴۷۶۰ جلد داشته، در حالی که تیراژ هر عنوان کتاب در کشورمان ۲،۴۴۰ جلد بوده است، بنابراین چنانچه در جدول ۳، مشاهده می‌شود، ما از نظر میانگین تیراژ جزء ضعیف‌ترین کشورها بوده‌ایم (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس: ۱۳۷۶). مقایسه میانگین شمارگان در ۱۳۹۱ خورشیدی با میانگین شمارگان در ۱۹۹۴ میلادی در ایران، نشان می‌دهد که همچنان در همان وضعیت باقی مانده‌ایم.

جدول ۳. تعداد عناوین منتشر شده و تیراژ کتاب در سال ۱۹۹۴

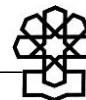
کشور	تعداد عناوین منتشره	تیراژ	میانگین تیراژ به ازای هر عنوان
الجزایر	۵۲۳	-	-
مصر	۳۱۰۸	۱۰۸,۰۴۲,۰۰۰	۳۴۷۶۲
مراکش	۸۴	۱۰۰,۰۰۰	۱۱۹۰
آفریقای جنوبی	۴۵۷۴	۳۷,۵۶۱,۰۰۰	۸۲۱۲
کانادا	۲۲۲۰۸	-	-
کوبا	۹۳۲	۴,۶۱۰,۰۰۰	۴۹۴۶
آمریکا	۵۱۸۶۳	-	-
هلند	۱۱۴۶۰	-	-
ایران	۱۰۷۵۳	۲۶,۲۷۵,۰۰۰	۲۴۴۳
اردن	۵۰۰	-	-
ترکیه	۴۴۷۳	-	-
مالزی	۴۰۵۰	۱۷,۴۲۴,۰۰۰	۴۳۰۲
پاکستان	۱۲۴	۷۱۴,۰۰۰	۵۷۵۸
فرانسه	۴۵۳۱۱	-	-
آلمان	۷۰۶۴۳	-	-
ایتالیا	۳۲۶۷۳	۲۸۹,۱۰۰,۰۰۰	۸۸۴۸
روسیه	۳۰۳۹۰	۵۹۴,۳۲۳,۰۰۰	۱۹۵۵۶
انگلستان	۹۵۰۱۵	-	-
استرالیا	۱۰۸۳۵	-	-
سوریه	۵۹۸	-	-

۴. تعداد ناشران فعال

از مشکلات اساسی دیگر که حکایت از بحرانی بودن شرایط کتاب در ایران دارد، عدم تناسب میان تعداد ناشران فعال و غیرفعال در ایران است. براساس آمار موجود، در سال ۱۳۹۱، تعداد کل ناشران فعال براساس پروانه نشر، ۳۸۵۴ نفر بوده، در حالی که تعداد کل ناشران غیرفعال ۷۰۸۵ بنگاه گزارش شده است (حدود یک و برابر و نیم بیش از ناشران فعال) لازم به ذکر است که در این سال، تعداد کل مجوزهای صادر شده نشر کتاب علاوه بر مجوزهای موجود، ۴۰۴۳۱ مجوز ذکر شده است (سالنامه آماری فرهنگ و هنر، ۱۳۹۱).

۵. گرانی کتاب

افزایش قیمت کتاب‌ها در ایران، که هر روز بر میزان آن افزوده می‌شود، از نشانه‌های اساسی شرایط بحرانی نشر در ایران است. به‌طور کلی یک کتاب تا به دست مصرف‌کننده برسد باید از مراحل همچون ویرایش، حروف‌چینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی بگذرد؛ حق‌التألیف، سود ناشر، سود موزع و



کتابفروش هم درصدی از قیمت کتاب را تشکیل می‌دهند. در سال‌های اخیر که هر یک از این مراحل، چندین برابر گران شده‌اند، افزایش قیمت کتاب نیز طبیعی به نظر می‌رسد. کاغذ و مقوا مطرح‌ترین عامل گرانی کتاب‌اند که نوسانات قیمت این مواد، تحت تأثیر تحریم‌ها و سیاست‌های گوناگون اتخاذ شده، تأثیرات بسیار منفی‌ای را بر عرضه و تولید کتاب برجای گذاشته است.

روند اخیر گرانی کاغذ و مشکلات پس از آن، از ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۰ آغاز شد. در آن زمان، با ایجاد نوسانات در بازار ارز، بازار کاغذ نیز متأثر شد، به طوری که با افزایش قیمت ارز از ۱,۲۲۶ تومان به ۲۵۰۰ تومان، قیمت هر بند کاغذ از ۳۵ هزار تومان به ۷۰ هزار تومان و در ماه‌های بعد به بالاتر از ۸۰ هزار تومان رسید. نبود زیرساخت‌های لازم برای حل کردن چنین مشکلی، وابستگی ناشران و صنعت نشر به واردات کاغذ و همچنین کم‌بازدهی کارخانه‌های کاغذسازی داخل کشور، نوسانات بازار ارز و ایجاد تورم در بازار کاغذ، ضربات جبران‌ناپذیری بر اقتصاد نشر وارد کرد. نداشتن پارانه کاغذ برای ناشران در آن زمان و در نظر نگرفتن تدابیری ضروری و سریع برای کاهش ضرر ناشران، از دیگر مشکلاتی بود که تحت تأثیر بالا رفتن قیمت کاغذ ایجاد شد و منجر به افزایش ضرردهی ناشران گردید (به نقل از سایت اطلاع‌رسانی صنایع کاغذ و کارتن ایران).

۶. کم بودن تعداد کتابفروشی‌ها

در کشور ما تعداد کتابفروشان و ناشران عکس یکدیگر است، اگر نگاهی اجمالی به وضعیت تولید و توزیع کتاب کشور داشته باشیم، با آمار و ارقامی مواجه می‌شویم که نشان‌دهنده نابسامانی‌هایی در این حوزه است، مطابق با آمار، درحالی که هم‌اکنون بیش از ۱۰ هزار مجوز نشر در کشور داریم، تعداد کتابفروشی‌های موجود در سطح کشور بسیار کمتر از آن است.

به‌طور مشخص در این عرصه با مشکل چند برابری تعداد تولیدکنندگان یا ناشران در مقابل توزیع‌کنندگان و به‌طور مشخص، کتابفروشان مواجهیم. درحالی که برابر استانداردهای جهانی و اقتصادی، باید این رقم معکوس باشد. علاوه بر کم بودن تعداد کتابفروشی‌ها، مشکل دیگر، تمرکز بیش از اندازه آنها در تهران و سهم ناچیز سایر استان‌هاست. وقتی تمرکز فعالیت‌های نشر عمدتاً در پایتخت باشد، بدون تردید توزیع نیز در پایتخت شکل گرفته و توسعه می‌یابد و دسترسی سایر مناطق کشور به کتاب، به دلیل فقدان یا کمبود کتابفروشی‌ها، به سهولت شهروندان تهرانی صورت نمی‌گیرد.

فصل دوم - ملاحظات روشی

اگرچه پژوهش‌های فراوانی در حوزه مسائل و مشکلات حوزه نشر صورت گرفته، اما تعداد پژوهش‌هایی که از نزدیک با میدان حوزه کتاب تعامل داشته و با روشی میدانی مسائل و مشکلات آن را تبیین کرده باشد، بسیار اندک است. بسیاری از پژوهش‌ها به ذکر آمارها و عوامل موجود در تحقیقات دیگر بسنده کرده‌اند. به طور کلی در این عرصه، پژوهش‌هایی که مسائل و مشکلات این عرصه را از دید خود فعالان و متخصصان آن تحلیل کرده باشد، بسیار اندک است. بدین منظور در این تحقیق، به سراغ میدان تولید و توزیع کتاب رفته و تلاش شده است تا از نزدیک با فعالان آن مصاحبه شود و مسائل کتاب، از دید خود ایشان بیان و شرح گردد.

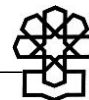
در کنار تحلیل مصاحبه‌ها، با توجه به وجود متون فراوانی درباره مشکلات عرصه کتاب و آسیب‌شناسی حوزه نشر در ایران، به فراتحلیل این متون نیز پرداخته شد. بنابراین داده‌های این پژوهش را دو دسته از اطلاعات تشکیل داده‌اند: داده‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها و داده‌های مربوط به متون و اسناد گردآوری شده.

۱. مصاحبه با متخصصان

برای پژوهش حاضر، با توجه به سؤالات تحقیق، تلاش شد که ضمن استفاده از منابع و ادبیات موضوعی تولید شده به متخصصان عرصه نشر مراجعه و مصاحبه‌هایی با آنان انجام شود. مصاحبه‌های طراحی شده، از نوع «مصاحبه‌های تخصصی» یا «مصاحبه با متخصصان» بوده که با هدف جمع‌آوری اطلاعات انجام شدند.

«در مصاحبه با صاحب‌نظران یا متخصصان، مصاحبه‌کننده داده‌ها را از اشخاصی جمع‌آوری می‌کند که دانش یا دیدگاه ویژه‌ای دارند که از طریق دیگران قابل حصول نیست» (فلیک، ۱۳۹۰: ۱۸۳). هدف از چنین مصاحبه‌هایی، جمع‌آوری اطلاعات، اخبار یا عقاید در مورد یک موضوع یا شخص خاص است. تنظیم سؤالات در این نوع مصاحبه باید به نحوی باشد که اهداف مصاحبه‌گر را تأمین کند و به اطلاعات او در مورد موضوع بیافزاید.

در این پژوهش، ابتدا لیستی از متخصصان و فعالان این عرصه تهیه گردید. تلاش شد در تهیه این لیست، تمامی فعالیت‌های مؤثر برای تولید یک کتاب اعم از نشر، تألیف و ترجمه، چاپ، توزیع و کتاب‌فروشی در نظر گرفته شود. همچنین مسئولان و کارشناسان مرتبط با این موضوع مانند رئیس و اعضای اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران، رئیس خانه کتاب، مدیر کتابخانه ملی و... در این لیست گنجانده شدند. پس از آماده‌سازی لیست متخصصان، با توجه به هدف و سؤال‌های تحقیق، راهنمای مصاحبه‌هایی



با توجه به نوع فعالیت و تخصص هر یک از مصاحبه‌شوندگان تهیه شد و مصاحبه‌هایی با بعضی از افراد لیست صورت گرفت. علاوه بر این، معیارهایی برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان در نظر گرفته شد، از جمله اینکه تلاش شد از هر تخصص حداقل یک نفر انتخاب شده و افراد انتخابی حداکثر تنوع را در داشتن گرایش‌های سیاسی، اعتقادی، مدیریتی و... داشته باشند.

۲. تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها از روش گرداندن تئوری (نظریه زمینه‌ای) استفاده شد، این روش در ساده‌ترین شکل ممکن عبارت است از فرآیند ساخت یک نظریه مدون از طریق گردآوری سازمان یافته داده و تحلیل استقرایی داده‌ها برای پاسخگویی به پرسش‌های نوین آن دسته از پژوهش‌های کیفی که فاقد مبانی نظری کافی در زمینه موضوع مورد مطالعه هستند.

نظریه زمینه‌ای، روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را به جای استنتاج از پیش‌فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند. زمانی که گردآوری و تحلیل داده‌ها متوقف شد، نظریه حاصل، درک عمیقی در ارتباط با موجودیت‌های مورد مطالعه فراهم می‌کند. بدین منظور تلاش شد تا با کدگذاری مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها، دسته‌بندی‌ای از آنها صورت گیرد و مسائل و مشکلات مرتبط با حوزه کتاب به نحو دقیق‌تر و با غنای بیشتر بیان گردند.

بر این اساس، ابتدا با مطالعه عمیق متون مصاحبه‌ها و مرور چندین باره آنها تلاش شد از معانی ظاهری و عینی عبارت‌ها و کلمات گذر و معنای ضمنی و ناگفته درون متن استخراج شود. در نهایت با فشرده کردن کدهای مرتبط، تم‌های کلی‌تر انتزاع شدند. با مرور و بازنگری در تم‌ها، ویرایش نهایی انجام شد و در نهایت، مفاهیم مورد نظر که می‌توانستند، نقشی در پاسخگویی به پرسش اصلی تحقیق یعنی چپستی مسائل و مشکلات موجود در عرصه کتاب داشته باشند، تولید شدند.

پس از اتمام مراحل تحلیل (تحلیل ثانویه تحقیقات و پژوهش‌های صورت گرفته و تحلیل مصاحبه‌های تخصصی)، مدلی از مسائل و مشکلات حوزه کتاب به دست آمد که نشانگر تعلق هر دسته از مسائل به یکی از سطوح کلان، میانه و خرد است.

فصل سوم - علت‌یابی بحران کتاب، در سطوح کلان، میانی و خرد

مسائل و مشکلات حوزه کتاب، آن قدر وسیع و پردامنه‌اند که از هر گوشه‌ای که به میدان تولید کتاب در ایران نگرسته شود، قابل مشاهده‌اند. علت‌یابی مسائل حوزه کتاب و تبیین واقعی آن چه در رابطه با کتاب در کشورمان می‌گذرد، بدون فهمی دقیق از شرایط فعلی این حوزه امکان‌پذیر نیست. مشابه با

هر پدیده و مسئله اجتماعی دیگر تا زمانی که ابعاد پیچیده مسئله کتاب روشن نشود، نمی‌توان انتظار داشت که سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت دستگاه‌های اجرایی راهگشا باشد. در این نوشتار تلاش می‌شود مسائل و مشکلات حوزه کتاب که در جریان پژوهش از میان ساعت‌ها مصاحبه و گفتگو با متخصصان و فراتحلیل متون و ادبیات موضوعی مرتبط استخراج شده است، در سه سطح کلان، میانی و خرد بیان شود و مسائل و مشکلات ذیل هر سطح تحلیل و بررسی گردند.

۱. علت‌یابی بحران کتاب در سطح کلان

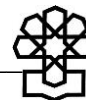
منظور از سطح کلان، سطحی از حیات اجتماعی است که در آن ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پهن‌دامنه قرار گرفته‌اند. در این سطح با کنشگر اجتماعی یا سازمان‌های اجتماعی به شکل منفرد سروکار نداریم، بلکه بحران کتاب در این سطح، به منزله جزئی از یک کلیت تاریخی مطرح است و تقابل و تضاد یا هم‌نوایی آن با ساختارها علت بحران یا رکود آن در شرایط فعلی است. در همه این تحلیل‌ها از ضعف نهادهای تولید کتاب همچون ناشران یا کنشگران آن (مؤلفان، مترجمان، موزعان و...) سخن گفته نمی‌شود.

از میان مسائل استخراج شده، (ضعف فرهنگ کتابخوانی، نظام تربیتی کنکورمحور و تسلط رسانه‌های جدید بر زندگی افراد) عواملی هستند که به دلیل ساختاری بودن و ارتباط با سایر ساختارهای اجتماعی، در سطح کلان قرار می‌گیرند. این عوامل، در طول زمان و در ارتباط با مسائل سطوح دیگر، منجر به ضعیف شدن صنعت نشر و کتاب‌خواندن عمومی شده‌اند.

۱-۱. ضعف فرهنگ کتابخوانی

یکی از تعاریف رایج برای برشمردن کنش یا رفتاری به‌عنوان «فرهنگ»، مطالعه میزان رایج بودن آن کنش در میان مردم جامعه است. به میزانی که یک کنش اجتماعی در گروهی از مردم و افراد اجتماع رایج باشد، می‌توان از وجود چنین فرهنگی هم در میان مردم نام برد. براساس این تعریف، می‌توان گفت فرهنگ کتابخوانی در ایران وجود دارد، چرا که هم کتاب و هم کنشگران و نهادهای مربوط به آن در جامعه موجود هستند که با فعالیت و کنش‌های خود بر یکدیگر و بر اجتماع تأثیر می‌گذارند.

به میزانی که فرهنگ کتابخوانی یا مطالعه عمومی باشد، یعنی هم در میان تعداد بیشتری از افراد جامعه رواج داشته و برای این افراد درونی شده باشد، می‌توان از قوت یا برعکس از ضعف این فرهنگ، یاد کرد. نگاهی به آمارهای مربوط به سرانه مطالعه در کشور، حاکی از پایین بودن چشمگیر این سرانه در ایران و نسبت به سایر کشورهاست. چنانچه اشاره شد، آمارهای موجود در این زمینه، بسیار متفاوت بوده و از ۲ دقیقه در روز تا ۸۰ دقیقه قابل تغییر است، اما آمارهای رسمی و قابل اعتمادتر میزان سرانه مطالعه را بیشتر از ۲۰ دقیقه در روز گزارش نمی‌دهند.



از مجموع مصاحبه‌های انجام شده، اگرچه درباره علل کمبود کتابخوانی و پایین بودن سرانه مطالعه در کشور اختلاف نظرهایی وجود داشت، ولی تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان بر روی پایین بودن آمار کتابخوانی در کشور اتفاق نظر داشتند، به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان:

«در نمایشگاه استانی که ۲۰ درصد ناشر تخفیف می‌دهد و ۲۰ درصد هم ارشاد تخفیف می‌دهد، باز هم تعداد زیادی کتاب می‌ماند و مردم زیاد نمی‌خرند، اصلاً مشکل، مشکل توزیع، تولید، قیمت و خرید کتاب نیست و بحث کتابخوانی است» (مصاحبه با نجف‌علی میرزایی، مدیرعامل خانه کتاب).

۱-۲. نهال نوپای فرهنگ مکتوب و تقابل آن با فرهنگ تصویری

از میان نظریاتی که تبیین‌کننده ضعیف بودن فرهنگ مطالعه در کشور هستند، می‌توان به غلبه نیافتن فرهنگ مکتوب بر فرهنگ شفاهی اشاره کرد. به نظر نعمت‌الله فاضلی، در طول تاریخ، جوامع سه‌الگوی ارتباطی را تجربه کرده‌اند، الگوی ارتباط شفاهی، الگوی ارتباط نوشتاری و الگوی ارتباط دیداری. در قرن ۱۸، با شکل‌گیری علوم جدید، متن مکتوب به مهم‌ترین رسانه عقل جدید در جامعه مدرن تبدیل شد، اما از دهه ۱۹۵۰ به بعد، فرهنگ نوشتار با ظهور تکنولوژی‌های جدید به حاشیه کشیده شد. «جوامع صنعتی هنگامی وارد دنیای پست‌مدرن تصویری شدند که فرهنگ نوشتاری در این جوامع تثبیت، نهادینه، درونی و عمومی شده بود. در نتیجه اروپا و جوامع صنعتی توانستند در یک گذار تاریخی - طبیعی وارد عرصه فرهنگ پسامدرن تصویری شوند، اما در کشورهایی مثل ایران چه اتفاقی افتاد؟» (فاضلی، ۱۳۹۲: ۱۶۹).

صنعت چاپ و تولید انبوه کتاب در ایران از سال ۱۳۰۰ به بعد شروع شد و تا سال ۱۳۴۰ ایران توانست وارد فرهنگ نوشتار شود. مولدهای ورود ایران به فرهنگ نوشتار مواردی چون، تأسیس نظام‌های مدرسه و دانشگاه، صنعت چاپ و ظهور طبقه متوسط شهری بود. طبقه‌ای که ثروت و فراغت کافی برای نوشتن و خواندن داشت. فاضلی در ادامه تفاوت دیداری شدن جوامع دیگر با ایران را در این می‌داند که برخلاف سایر جوامع که معمولاً فرهنگ نوشتاری را تجربه و از آن گذر می‌کنند، ایران بدون تجربه فرهنگ نوشتار به مرحله پس از آن پرتاب شده است. وی در آسیب‌شناسی گذار تاریخی ایران از فرهنگ شفاهی به نوشتار، به دزدیده شدن فرصت‌های نوشتاری شدن فرهنگ ایران توسط رسانه‌های جدید اشاره می‌کند و می‌گوید: «با ظهور چنین تحولاتی جامعه ایرانی در آستانه یک گذار قرار گرفت، گذار از فرهنگ شفاهی به فرهنگ نوشتاری. اتفاقی که در این میان افتاد این بود که قبل از اینکه این فرهنگ تثبیت گردد و در جامعه ایران عمومی شود، متأسفانه تلویزیون و مدتی بعد اینترنت از راه رسیدند. اینترنت و تلویزیون به‌عنوان اصلی‌ترین نظام‌های تولید، تکثیر و مصرف تصویر فرصت نهادینه شدن و درونی شدن فرهنگ نوشتار را از جامعه ایران گرفتند» (همان: ۱۷۰).

۲. علت‌یابی بحران کتاب در سطح میانی

منظور از سطح میانی، در نظر گرفتن مجموعه عوامل دخیل در بحران کتاب از جمله نهادهای صنفی، سازمان‌های تحقیقاتی، مؤلفان، ناشران، کتابفروشی‌ها و... است که هر یک اجزای یک سازمان اجتماعی کلان‌تر هستند. در این سطح، رویکرد اتخاذ شده برای بررسی بحران کتاب، درونگراست. به عبارت دیگر در تقابل با تحلیل‌های کلان که تأثیر عوامل خارج از سازمان کتاب و پیوندهای آن با بقیه اجزای ساختار جامعه را مدنظر داشتند، در این سطح، بررسی تعامل و رفتار عناصر درون سازمان کتاب اعم از تولید و مصرف آن مدنظر قرار می‌گیرد، مشکلات شناسایی شده در این سطح عبارتند از:

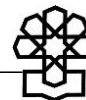
۲-۱. نارسایی در قوانین اهل قلم

شمول مشکلات این قسمت، صرفاً به ضعف در مواد قانونی محدود نمی‌شود، بلکه مشکلات شناسایی شده فراتر بوده و مشکلات عرصه قانونگذاری و اجرایی شدن آنها را نیز دربر می‌گیرد. اهم مشکلاتی که در این عرصه قابل شناسایی‌اند، عبارتند از: متولی نداشتن حقوق اهل قلم؛ عدم شفافیت قانونی در اعطای سوبسیدها، وضع مالیات، ممیزی و...؛ به‌روزنشدن قوانین و مقررات، متناسب با نیازهای روز و تغییرات فرهنگی و اجتماعی؛ رعایت نشدن قوانین و مقررات موجود؛ نارسایی در قوانین مربوط به حقوق مالکیت فکری و معنوی (حقوق ناشران، مؤلفان و...).

در میان آرای صاحب‌نظران، مشکل ضعف در قوانین، عدم شفافیت آن و به‌روزنشدن قوانین همگام با پیشرفت عرصه کتاب، بیش از همه نمایان بود. به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان:

«از نظر حقوقی و قانونی ما هنوز نه متولی درست و درمانی برای بحث حقوق اهل قلم و قوانین مرتبط با اهل قلم داریم و نه مجلس و کمیسیون فرهنگی، تا حالا اقدام جدی برای شناخت اهل قلم ایران انجام داده‌اند... حقوق اهل قلم ایران برای سال ۱۳۴۸ است و از آن موقع تا حالا یک بند آن عوض شده است و آن هم مربوط به حقوق متوفی هست» (مصاحبه با نجف‌علی میرزایی، مدیرعامل خانه کتاب).

در مقابل، مصاحبه‌شونده دیگری، همین قوانین فعلی را برای حل بحران‌های کتاب کافی دانسته و معتقد بود، آنچه قوانین کتاب را سخت و غیرشفاف می‌کند، عدم درست اجرا کردن آنهاست، وگرنه همین قوانین فعلی، برای فائق آمدن بر بحران کتاب کافی هستند. «قوانین و مقررات موجود، بهترین راهگشا برای همه کار است، حداقل این است که همین قوانین رعایت شوند، این قوانین موجود را رعایت کنیم، رو به جلو بودن پیش‌کش» (مصاحبه با نادر قدیانی، رئیس سابق اتحادیه ناشران و کتابفروشان).



۲-۲. ضعف سازمان‌های میانی و مستقل از دولت

بسیاری از متون تحلیل شده و مصاحبه‌های انجام شده بر ضعیف بودن نهادهای میانی بر بهبود وضعیت کتاب دست گذاشته و یکی از راهکارهای خروج از بحران فعلی را تقویت چنین نهادهایی دانسته‌اند، اگرچه در شرایط فعلی با وارد شدن بخش خصوصی به حوزه کتاب، اقدامات مختلفی توسط ایشان انجام می‌شود، اما به‌زعم بسیاری از متخصصان، این اقدامات محدود بوده و همچنان، عرصه‌های فراوانی وجود دارد که خالی از نهادهای واسط و غیروابسته به دولت است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که آنچه متخصصان از نهادهایی میانی انتظار دارند، در طیفی از نهادهای خصوصی و صرفاً اقتصادی تا مؤسسات فرهنگی، مجلات و نشریات حوزه کتاب و ان‌جی‌اوها و خیریه‌های مربوط به این حوزه می‌گنجد. به طور کلی نهادهایی که هم به اطلاع‌رسانی در عرصه کتاب بپردازند و هم با نقد این عرصه، بتوانند عرصه‌ای را برای معرفی و نقد کتاب و بازتاب کتاب خوب در بازار ایجاد نمایند. به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان:

«ما الان تا حد زیادی در کشور کتاب خوب و بد را با هم قاطی داریم و کتاب خوب گم شده است و در واقع چهره غالب کتاب ایران چهره کتاب‌سازی، کتاب زرد، کتاب‌های عامه‌پسند و این‌گونه است، یعنی خیلی اطلاع‌رسانی درستی از کتاب‌های با محتوا و تأثیرگذار نمی‌شود. یک معضل در بحث اطلاع‌رسانی، بانک‌های زیرساختی و دیتا بانک‌های کتاب است... یکی از مسائل دیگر، مربوط به نمایش کتاب و ویتترین درست کردن برای کتاب است. هرچند مؤسسه‌هایی درست شده اما الان می‌توانم عرض بکنم که ما با بحرانی به‌عنوان ویتترین کتاب روبرو هستیم» (مصاحبه با مهدی فیروزان، مدیرعامل شهر کتاب مرکزی).

«یکی از مسائل مهم این هست که در ایران ما جریان نقد قوی نداریم، یعنی ما در حوزه نقد کتاب نشست‌ها و جریان‌ات قوی و درست و حسابی نداریم و کتاب‌ها به نقد کشیده نمی‌شوند و بازتاب فضای فاقد نقد می‌شود انتخاب ممیزی. یعنی شما اگر جریان نقد را تصحیح کرده باشید، آن وقت به طور طبیعی تمام مردم می‌خواهند جوابی به هم از طریق کتاب بدهند» (مصاحبه با نجف‌علی میرزایی، مدیرعامل خانه کتاب).

با توجه به تنوع چنین نهادهایی و نقش متفاوت آنها به‌عنوان سازمان‌های میانی و مستقل از دولت، مشکلات شناسایی شده، برای این قسمت عبارتند از:

- ضعیف بودن بانک‌های اطلاعاتی کتاب‌های منتشر شده،
- ضعیف بودن ویتترین‌های کتاب،
- ضعیف بودن شبکه‌هایی برای عرضه و تبلیغ کتاب،
- عدم وجود نهادها و افرادی برای نقد مستمر و روشمند کتاب‌ها،

- عدم وجود نهادهایی برای ارائه مشاوره‌های تخصصی در حوزه کتاب،
- ضعف در اطلاع‌رسانی،
- عدم وجود نهادهایی مستقل برای ارزیابی کتاب‌های موجود،
- عملکرد ضعیف فرهنگستان در زمینه ساماندهی ویرایش و زبان فارسی در فضای دیجیتال و...،
- دولتی بودن نهادهایی مستقل همچون فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و خانه کتاب و تأمین مخارج آنها از دولت.

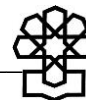
۲-۳. کتابخانه‌های عمومی

کتابخانه‌های عمومی را به لحاظ نهادی بودن و دربرگرفتن کنشگران مختلف، باید از اجزای سطح میانی در نظر گرفت. با اقدامات شهرداری‌ها مخصوصاً شهرداری شهر تهران و سایر سازمان‌ها و تشکلهای دولتی و غیردولتی فرهنگی، کتابخانه‌های عمومی کشور دیگر به کتابخانه‌های ذیل نهادهای کتابخانه‌های عمومی کشور محدود نشده و انواع گوناگونی از کتابخانه‌ها با متولیان گوناگونی را دربر می‌گیرند. از نظر متخصصان و فعالان عرصه نشر، کمبود کتابخانه‌های عمومی، توزیع نابرابر آنها در سطح کشور و کمبود کتاب‌های موجود در آنها بخشی از مشکلاتی است که از نارسایی سازمان کتابخانه‌های عمومی در کشور ناشی می‌شود. به اعتقاد بعضی از صاحب‌نظران، چنانچه برای ترویج و رونق کتابخانه‌های عمومی اقداماتی انجام شود، می‌توان انتظار داشت که فشار گرانی کتاب بر افراد کم شده و از این طریق هم سرانه مطالعه افزایش یابد و هم بخشی از نیازهای متخصصان و کتاب‌خوانان حرفه‌ای برطرف گردد. چنانچه در مصاحبه‌ای اشاره شد:

«در غرب هم این کتاب‌ها (کتاب‌های دانشگاهی) گران است، یعنی آنجا هم دانشجو نمی‌تواند بخرد. برای همین چیزی به نام کتابخانه در کنار هر مرکز آموزشی ایجاد شده است که این نیاز مطالعاتی اینها را رفع و رجوع بکند، بنابراین راه‌حل این است که بیاییم کتابخانه‌های خودمان را تجهیز کنیم، چرا شما از سر راهتان در مسیرهای مختلف از جلوی کتابخانه عمومی رد می‌شوید، ولی آن را نمی‌بینید؟ برای اینکه در زندگی اجتماعی ما محسوس نیست و نقش مؤثری ندارد» (مصاحبه با مهدی فیروزان، مدیرعامل شهر کتاب مرکزی).

۳. علت یابی بحران کتاب در سطح خرد

در سطح خرد، رفتار کنشگر در عرصه کتاب بررسی می‌شود. این کنشگران مجموعه ناشران، مؤلفان، کتاب‌فروشان و... را دربر می‌گیرند، لازم به یادآوری است که بررسی اجزای عرصه تولید کتاب در سطوح میانی و خرد فقط به لحاظ تحلیلی از هم جدایی‌پذیرند و در دنیای واقعی، نمی‌توان مؤلف را از



ناشر یا کتابفروش را از موزع جدا کرد و آنها را خارج از سازمانی که به تولید و عرضه کتاب مشغول هستند، تحلیل کرد.

۱-۳. کنشگران کتاب

با توجه به تحلیل‌های انجام شده از داده‌های مربوط به سخنرانی‌ها و همچنین متون مرتبط؛ ناشران، مؤلفان و مترجمان، چاپ‌کنندگان، توزیع‌کنندگان و کتابفروشان، فعالان اصلی عرصه تولید و توزیع و فروش کتاب هستند. از طرفی دیگر، خریداران قرار دارند که به‌عنوان مخاطبان اصلی، در این چرخه به‌عنوان حلقه پایانی ایفای نقش می‌کنند. در ادامه، مشکلات و مسائل مربوط شناسایی شده و مربوط به هر یک از فعالان بیان می‌گردد.

۱-۱-۳. مؤلفان

منظور از مؤلفان مجموعه‌ای از کنشگران فعال در بخش تولید کتاب می‌باشد که شامل نویسندگان، مترجمان، ویراستاران و... می‌شوند. در این باره لازم است مسئله کتاب‌های دانشگاهی نیز اشاره کنیم، که به نظر بسیاری از متخصصان از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. به عبارتی اگرچه انتظار می‌رود، دانشگاهیان و اساتید سهم مهمی در تولید کتاب‌های با کیفیت و عرضه دانش دانشگاهی به جامعه داشته باشند، مسائلی همچون نوشتن کتاب برای ارتقای شغلی، موانعی اساسی برای تحقق این هدف است. همچنین لازم است به عدم توجه به سلاقی مخاطبان از طرف مؤلفان اشاره کرد، به‌نظر می‌رسد بسیاری از مؤلفان بدون داشتن کمترین شناخت و ارتباطی با مخاطبان خود، دست به خلق و ایجاد آثار خویش می‌زنند. نتیجه چنین اقدامی، بیگانه بودن مخاطبان با کتاب‌های تولیدی و عدم انگیزه آنان برای خرید آنهاست که درنهایت در کاهش خرید کتاب در کل جامعه خود را نشان می‌دهد. علاوه بر این مسئله، توفیق یافتن ترجمه بر تألیف نیز بر حجم مسائل افزوده است. کتاب‌های ترجمه‌ای علاوه بر ضربه زدن به کتب تألیفی و بازار آنها، با ترجمه‌های نارسا، موجب بی‌اعتمادی مخاطبان و دست‌نیافتن به اهداف واقعی ترجمه و تألیف کتب می‌گردند.

از مشکلات اساسی دیگر، باید به عدم تناسب میان هزینه‌های مؤلف با دستمزد وی اشاره کرد. مسئله‌ای که به نظر بعضی از متخصصان بر کل منطق کتاب‌نویسی در کشور حاکم بوده و از نظر اولویت در رتبه نخست قرار دارد. دستمزد پایین تألیف کتاب و داشتن سود اقتصادی اندک و در مواردی حتی بدون سود، منجر به مسائل فراوانی در عرصه کتاب گشته که بی‌انگیزگی برای نوشتن کتاب‌های باکیفیت، کتاب‌سازی و ترجیح مشاغل دیگر، بخش کوچکی از آنهاست. به‌طوری که به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان: «اگر بحران صنعت نشر را تفسیر و تقسیم‌بندی بکنم، بزرگ‌ترین بحران را فقر و کسری امکانات تولید محصول می‌دانم. باید کتاب‌سازی‌های دولتی، پشتیبانی تخصصی پژوهشی دانشگاهی یا مراکز پژوهشی تولید کتاب را استثنا بکنیم، اما در کل وقتی می‌خواهید یک کتاب خوب بنویسید حامی

ندارد. یعنی کسی از تحلیل شما حمایت نخواهد کرد» (مصاحبه با محمود آموزگار، دبیر اتحادیه ناشران و کتابفروشان).

«برای هزار تا شمارگان، حق تألیف دو، سه میلیون دادن به مؤلف، یعنی نابودی صنعت نشر. اینکه شما شصت هزار عنوان کتاب ردیف کنید و بگویید من دهم دنیا هستم، همه آن آمار و ارقامها کمی هست، از نظر کیفیت وقتی کتاب‌خوانی ایران سقوط می‌کند، یکی از دلایل آن این است که کتاب نوشتن صرفه اقتصادی ندارد، یعنی خوش‌ذوق‌ها و خوش‌فکرها دارند کارهای دیگری می‌کنند» (مصاحبه با مهدی فیروزان، مدیرعامل شهر کتاب مرکزی).

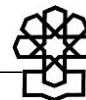
۲-۱-۳. ناشران

مسائل و مشکلات مربوط به ناشران کتاب، به دلیل حیطه وسیع فعالیت آنان و سروکار داشتن آنان با کنشگران مختلف عرصه کتاب، از مؤلفان و مترجمان تا چاپخانه و فروشندگان، دارای مراتب پیچیده‌تری است، علاوه بر این، قوانین دولتی، اعمال یا عدم اعمال حمایت‌های دولتی و... بر پیچیدگی این مسائل افزوده و در مواردی منجر به افزون شدن مسائل این حوزه گشته است.

از مسائلی که به نظر بعضی از صاحب‌نظران در این حوزه وجود دارد، سود اقتصادی اندک و درآمد پایین ناشران است، البته نمی‌توان سود اقتصادی ناشران موفق و موفقیت‌های ایشان را در این عرصه نادیده انگاشت، اما به عقیده کلی، کار نشر چندان سودآور نبوده و نمی‌توان از آن انتظار چرخش اقتصادی کلانی را داشت. از نتایج چنین شرایطی، گلخانه‌ای شدن صنعت نشر و وابستگی آن به دولت است، در واقع تا زمانی که صنعت نشر توانایی مدیریت اقتصادی خویش را ندارد، مانند بسیاری از نهادها، با وابسته شدن به دولت، منتظر کمک‌های آن نشسته و بدون کمک‌های دولتی حیات آن در معرض خطر می‌گیرد، بنابراین در این عرصه سوبسیدهای دولتی در زمینه‌های مختلف از طرف ناشران مهم تلقی شده و بسیاری از آنها انتظار اعطای سوبسیدها و حمایت‌های دولتی را دارند.

از مسائل اساسی دیگر، باید به اعطای بدون ضابطه پروانه نشر توسط دولت و افزایش ناشران غیرحرفه‌ای اشاره کرد. «پروانه نشر یکی از ساده‌ترین کارهایی هست که در این کشور می‌شود کرد. کافی است که شما یک مدرک لیسانس داشته باشید که الحمدا... همه دارند و یک آدرس هم داشته باشید که آن را هم همه دارند؛ همین دو شرط کافی هست که شما بتوانید یک پروانه نشر بگیرید. حالا مستقل از اینکه چه تجربه‌ای دارید و چه سرمایه‌ای دارید، برای همین نشر ما هیچ وقت حرفه‌ای نمی‌شود» (مصاحبه با مهدی فیروزان، مدیرعامل شهر کتاب مرکزی).

زیاد بودن پروانه‌های نشر نیز منجر به مشکلات عدیده دیگری شده است، بسیاری از پروانه‌های نشر غیرفعال بوده و در حال حاضر حدود یک‌چهارم از ناشرانی که پروانه نشر اخذ کرده‌اند، فعال هستند. نتیجه اعطای بدون ضابطه پروانه نشر، زیاد شدن تعداد عناوین منتشر شده به رغم تیراژ پایین



کتاب‌هاست. البته تیراژ پایین خود معلول گرانی کتاب و عدم تقاضای کافی برای آن نیز هست، ولی در شرایطی که ناشران در سال، باید تعداد معینی کتاب چاپ کنند تا مجوز نشر آنها باطل نگردد، تولید کتاب‌های بی کیفیت و با تیراژ پایین، اولین راه حل به نظر می‌رسد.

از دیگر مسائلی که به‌زعم بسیاری از مشکلات اساسی حوزه نشر قلمداد می‌شود، مسئله ممیزی است. نتیجه تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد، این مسئله (ممیزی) به نفع مشکل‌زا نبوده، بلکه بیشتر به مسئله‌های حاشیه‌ای تبدیل شده که سایر مشکلات از طریق آن نمایان می‌شوند. به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان: «مسئله ممیزی که می‌تواند تبدیل بشود به یک مسئله حقوقی و فنی و حرفه‌ای، الان تبدیل شده است به یک تابوی سیاسی و فرهنگی، گویی اگر نظام از این مسئله پا عقب بکشد انگار از تابویش پا عقب کشیده است» (مصاحبه با نادر قدیانی، رئیس سابق اتحادیه ناشران و کتابفروشان)، بنابراین تقریباً تمام مصاحبه‌شوندگان، وجود ممیزی را در صنعت نشر طبیعی و حتی لازم می‌دانستند. اما عواملی همچون مبهم بودن قوانین آن، وجود دستورالعمل‌های مختلف در اجرایی‌کردن آن، سلیقه‌ای و سیاسی شدن آن و... را از عوامل ایجادکننده بحران در این مسئله ذکر کردند.

به نظر یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان:

«بحث ممیزی از طرح فکری به یک طرح تقریباً مکانیکی (تبدیل شده)، وظیفه دولت تصحیح کتاب مردم نیست. وظیفه دولت منع نشر کتاب پراشتباه و غلط و با اطلاع غلط نیست، اصلاً وظیفه او نیست کتابی که می‌آید دستش تصحیح بکند و از آن ایراد بگیرد و بگوید این اطلاعات غلط هست و آن روایت غلط هست... دولت ویراستار مردمش نیست» (مصاحبه با نجف‌علی میرزایی، مدیرعامل خانه کتاب).

۳-۱-۳. چاپ‌کنندگان

کنشگران فعال در این عرصه، شامل چاپ‌کنندگان، لیتوگرافان، صفحه‌بندان و... هستند. طبق آمار سالنامه فرهنگ و هنر در سال ۱۳۹۱، تعداد چاپخانه‌ها در این سال، ۳۹۶۱ واحد گزارش شده است که در مجموع ظرفیت چاپ ۲۰۲۵۷ ورق را داشته‌اند. لازم به ذکر است که مطابق آمار، هم تعداد چاپخانه و هم ظرفیت چاپ آنها نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته است، به طوری که در سال ۱۳۹۰، تعداد چاپخانه‌ها، ۳۸۹۸ واحد و در سال ۱۳۸۹، ۱۷۶۰ واحد گزارش شده است. با وجود رشد تعداد چاپخانه و سایر اجزای صنعت چاپ در کشور، به دلیل ساختارهای ضعیف این صنعت، همچنان مسائل متعددی در این صنعت وجود دارد.

مصاحبه‌شوندگان، از مشکلات این حوزه، به ضعیف بودن صنعت چاپ و نبود تکنولوژی‌های پیشرفته در آن اشاره کردند. به نظر بعضی از صاحب‌نظران، این مشکل از معلول‌های تقاضای اندک و در نتیجه عرضه کم کتاب در کشور بوده که منجر به سود اقتصادی ناکافی و عدم صرفه اقتصادی در آن

می‌شود. همچنین با افزایش هزینه‌های مربوط به کاغذ که تحت تأثیر تحریم‌های کشور شدت گرفت، چاپ‌کنندگان با افزایش هزینه‌های خود روبرو شدند که نتیجه آن بالا رفتن قیمت و همچنین پایین آمدن تیراژ کتاب‌ها بود.

۴-۱-۳. توزیع‌کنندگان

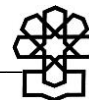
توزیع‌کنندگان شبکه گسترده‌ای از مشاغل هستند که به طور واسط میان ناشران و کتابفروشی‌ها فعالیت می‌کنند. عمده مشکلات این بخش به تمرکز بسیاری از توزیع‌کنندگان در تهران و ضعف سیستم‌های پخش در سایر استان‌ها شهرستان‌ها مربوط می‌شود. بسیاری از متخصصان به این نکته اشاره کردند که از دلایل پایین بودن سرانه مطالعه در کشور، علاوه بر کتاب نخردن مردم، عدم وجود کتاب‌های خوب در بازار مناطق حاشیه‌ای‌تر و دور از مرکز استان‌هاست. بنابراین اگرچه در مواردی کتاب‌های خوب تألیف و چاپ می‌شوند، اما به دلیل نبود شبکه پخش قوی، این کتاب‌ها به دست مخاطبان نرسیده و از وجود آنها بی‌اطلاع می‌مانند.

۵-۱-۳. کتابفروشان

در نظر گرفتن کتابفروشی‌ها به عنوان بنگاه‌های اقتصادی که به توزیع و فروش محصولات فرهنگی اقدام می‌کنند، برای درک مشکلات مربوط به آنها و پیچیدگی‌هایی که این مشکلات دارند، ضروری است. اولین مشکلی که در مصاحبه‌ها، کتابفروشان به آن اذعان داشتند، سود اقتصادی اندک کتابفروشی بود. علاوه بر این، اگرچه تعداد کتابفروشی‌ها نسبت به ناشران اندک بوده و به نظر می‌رسد این تعداد اندک می‌تواند میزان زیادی از بازار را پوشش دهد، اما عدم توجیه اقتصادی کتابفروشی، باعث کم‌رونقی این حرفه و عدم اقبال به سمت آن گشته است، به طوری که به گفته رئیس اتحادیه ناشران، حدود ۴۵ درصد از درآمد ناشران از نمایشگاه کتاب تأمین شده و نمایشگاه کتاب به محلی برای ضرر رساندن به کتابفروشی‌ها بدل شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان که خود هم کتابفروش و هم ناشر است، به این مسئله اشاره کرده و گفت:

«برخلاف استانداردهای جهانی و همین طور اصول عام اقتصادی، تعداد تولیدکنندگان ما و یا ناشران چند برابر تعداد کتابفروشی‌ها هست، درحالی که هر تولیدی نیاز دارد به اندازه کافی توزیع‌کننده داشته باشد و این توزیع‌کننده که حالا در مفهوم خاص آن کتابفروشی‌ها هستند خوب شکل نگرفته است، یعنی کتابفروشی یک کار ذوقی و عشقی هست و به هیچ وجه توجیه اقتصادی ندارد» (مصاحبه با مهدی فیروزان، مدیرعامل شهر کتاب مرکزی).

در کنار این مسئله به نقش دولت در خریدن کتاب از بعضی از ناشران و بنابراین کم‌شدن فروش کتابفروشی‌ها نیز اشاره شد. مسئله مالیات کتابفروشی‌ها نیز، از جمله مسائلی است که اگرچه در قانون



معافیت مالیاتی به آن پرداخته شده و در مقاطعی اجرایی نیز شده است، اما همچنان برای اجرایی شدن کامل آن اقداماتی نیاز است.

۳-۱-۶. مخاطبان

علاوه بر کنشگران عرصه کتاب که به تولید و توزیع کتاب می‌پردازند، در سطح خرد، مخاطبان قرار دارند. چنانچه اشاره شد پایین بودن سرانه مطالعه و نخریدن کتاب توسط ایشان مهم‌ترین مسائل شناسایی شده در این سطح است، از طرفی دیگر بعضی از صاحبان نظران، مشکل کتاب نخریدن را نه مسئله مخاطبان، بلکه بحرانی کلی‌تر می‌دانند که منجر به نبود کتاب خوب در بازار، بی‌اعتمادی مخاطبان به کتاب و تجربه منفی ایشان از خرید کتاب‌های خوب و باکیفیت شده است. به عبارتی به نظر این افراد، اگر کتاب خوب در بازار موجود باشد، مخاطب آن را می‌خرد، چنانچه هم‌اکنون محدود کتاب‌های خوب، همچون بعضی از رمان‌های حوزه جنگ و دفاع مقدس، به خوبی فروش رفته و به رغم عامه‌پسند نبودن، به چاپ چندم رسیده‌اند. بنابراین هرچند مشکلات مربوط به مخاطبان در سطح خرد قرار می‌گیرد، اما این مشکلات به‌صورت زنجیره‌ای به مشکلات سطوح دیگر مربوط بوده و تحت تأثیر آنهاست.

جمع‌بندی

در این پژوهش تلاش شد تا با بررسی توصیفی، عمده مسائل و مشکلاتی که عرصه کتاب و صنعت نشر در ایران با آن روبرو است، بیان شود. برای رسیدن به این هدف، از دو روش استفاده شد، برای غنای بیشتر تحلیل‌ها و آشنایی با دیدگاه‌های صاحبان نظران این حوزه، از خلال تحقیق میدانی، با تعدادی از فعالان و صاحبان نظران مصاحبه‌هایی انجام شد. همچنین فراتحلیلی از متون تولید شده درباره کتاب در ایران صورت گرفت. تلاش شد تا مصاحبه‌شوندگان فعالیت‌های مختلفی در عرصه کتاب داشته باشند و علاوه بر کتابفروشان و ناشران و ویراستاران، با مسئولان و کارشناسان نیز مصاحبه شد.

تحلیل مصاحبه‌ها و متون نشان‌دهنده این است که به‌دلیل پیچیدگی مسائل کتاب و وسیع بودن دامنه آنها، باید برای فهم این مشکلات آنها را دسته‌بندی کرد و با توجه به کنشگران فعال در میدان، آنها را تبیین و تحلیل کرد، بنابراین مسائل مربوط به کتاب به سه سطح کلان، میانه و خرد تقسیم شده و مشکلات مربوط به هر سطح، توضیح داده شد.

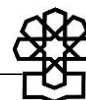
مسائل سه سطح کلان، میانه و خرد نشان می‌دهد، در شرایط فعلی، کتاب در ایران از یک کالای صرفاً فرهنگی خارج شده و جنبه‌های مهم و وسیع اقتصادی به خود گرفته است. امروزه کتاب دیگر تنها به‌عنوان کالایی که هدف آن آموزش، اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی، نشر دانش و... باشد، شناخته نشده، بلکه از حوزه فرهنگی فراتر رفته و به‌عنوان کالایی اقتصادی، بازار عرضه و تقاضا برای آن در نظر

گرفته می‌شود و برای کسب سود و سرمایه بیشتر از طریق آن برنامه‌ریزی می‌شود. با توجه به وجوه مختلف صنعت نشر در کشور، حل بحران‌های این عرصه، با نگاه صرفاً اقتصادی یا صرفاً فرهنگی و اجتماعی راهگشا نیست، از طرفی فرهنگ کتابخوانی در کشور به مسئله‌ای حاد تبدیل شده و نرخ سرانه مطالعه نشان‌دهنده کتاب‌خوانی عمومی است و از طرفی دیگر، کتابفروشان و ناشران و... به عنوان بنگاه‌هایی اقتصادی، با سود عموماً اندک مشغول به فعالیت در این عرصه‌اند و آمارهای گوناگونی از بحرانی بودن صنعت نشر و ورشکستگی بسیاری از فعالان این عرصه اقتصادی حکایت دارند.

مهم‌ترین فایده تقسیم‌بندی مشکلات کتاب در این سه سطح، نشان‌دادن وجوه مختلف کتاب در کشور و دیدن همزمان جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و بعضاً سیاسی آن است. به همین منظور، بسته‌های سیاستی که برای حل بحران‌های این حوزه پیشنهاد می‌گردند، باید با توجه به این وجوه مختلف ارائه گردند. به نظر می‌رسد اولین گام ضروری برای حل مسائل نشر در کشور، جدا کردن سیاست‌های اقتصادی از سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی است. هر چند مسائل کتاب در عمل، همزمان با هم وجود داشته و به هم آمیخته‌اند، اما بسته‌های سیاستی پیشنهادی، ضمن جامعیت و در برداشتن وجود مختلف مشکلات، باید به صورت تخصصی به پاره‌ای از آنها که با هم هم‌سنخی بیشتری دارند، بپردازند. به عبارتی دیگر سیاست‌های اقتصادی باید برای حل مسائل اقتصادی صنعت نشر، همچون سودآور نبودن این عرصه، ناتوانی بخش خصوصی و... به کار بسته شده و سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی به طور کلی در راستای توسعه فرهنگ کتابخوانی عمومی طراحی و اجرا گردند. بنابراین پیشنهاد می‌شود در طرح‌های مطالعاتی بعدی به سیاست‌های اقتصادی یا اجتماعی و فرهنگی به عنوان دو بسته جدا از هم، برای حل مسائل متفاوتی که در این حوزه شناسایی شده‌اند، پرداخته شده و چگونگی طراحی این سیاست‌ها بررسی گردند.

منابع و مأخذ

۱. «اقتصاد نشر کتاب در ایران»، کتاب ماه کلیات، سال پانزدهم، آذرماه ۱۳۹۱.
۲. گزارش «بحثی پیرامون کتاب و کتابخوانی»، مرکز پژوهش‌های مجلس، آبان ۱۳۷۶، شماره مسلسل ۲۶۰۶.
۳. آذرنگ، عبدالحسین و خرمشاهی، بهاء‌الدین. «نشر کتاب در ایران»، نامه انجمن کتابداران ایران، دوره هشتم، ش ۱، بهار ۱۳۵۴.
۴. آذرنگ، عبدالحسین. «نشر کتاب در ایران: سیر اجمالی تحول، مانع‌ها و چالش‌ها»، نامه فرهنگ، ش ۴۴، تابستان ۱۳۸۱.
۵. پورغفاری، آزاده و دیگران. سالنامه آماری فرهنگ و هنر سال ۱۳۹۱، تهران، کلک باران، ۱۳۹۲.
۶. شرف‌الدین، سیدحسین. «ممیزی کتاب؛ سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی در حوزه ممیزی کتاب»، آینه پژوهش، ش ۱۰۳، فروردین و اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۶.



۷. عقیقی، علی. «بررسی وضعیت نشر کتاب در ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
۸. قاسمی، طهمورث. «نگاهی به مهمترین مسائل صنعت چاپ در ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.
۹. فاضلی، نعمت‌ا... . تاریخ فرهنگی ایران مدرن: گفتارهایی در زمینه تحولات گفتمانی ایران امروز از منظر مطالعات فرهنگی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲.
۱۰. کانوی، مارسل؛ سی وان اورز، جان؛ وندریلاگ، فردریک. «اقتصاد کتاب»، ترجمه مهسا نیکزاد، کتاب ماه کلیات، سال شانزدهم، ش ۱، دی‌ماه ۱۳۹۱.
۱۱. کیانیان، حسن. «روایتی دیگر از بحران کتاب»، کلک، ش ۲۷، خردادماه ۱۳۷۱.
۱۲. محبوب، سیامک. «نگاهی به سرانه مطالعه در کشورهای پیشرفته»، کتاب ماه کلیات، اطلاعات، ارتباطات و دانش‌شناسی، سال سیزدهم، ش ۱۷۱، ۱۳۹۰.
۱۳. موسوی ویانه، فاطمه. «بررسی ساماندهی یارانه‌های بخش نشر»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۴. نظربلند، آزاده. «نشر کتاب در برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، کتاب ماه کلیات، ش ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸، مهر، آبان و آذرماه ۱۳۸۵.

منابع اینترنتی

۱۵. «کتابخانه‌های عمومی و سرانه مطالعه».
<http://readingandreaders.com>
۱۶. «وضعیت مطالعه و استفاده از کتابخانه در گذران وقت مردم».
<http://readingandreaders.com>
۱۷. «پایگاه آمار کتابخانه‌های عمومی کشور»، آمارگیری سال ۱۳۸۷.
<http://iranpl.ir/Portal/Home/Default.aspx?CategoryID=0373bbff-64e49-2ec-b5b-35d5cf59c8b51>
۱۸. «گزارش پژوهش وضعیت گذران وقت مردم شهری و روستایی کل کشور»، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۴ در سایت:
<http://publiclibrary.blogfa.com>
۱۹. سایت اطلاع‌رسانی صنایع کاغذ و کارتون ایران:
<http://cartoninfo.com>



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۴۲۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی مسائل و مشکلات حوزه کتاب

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه فرهنگ عمومی ارشاد و تبلیغ اسلامی)

تهیه و تدوین کنندگان: الهه نوری، سیدعلی کشفی

ناظر علمی: سینا کلهر

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی:

۱. کتاب

۲. نشر

۳. مسئله



تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۵/۲۵